



انجمن علمی فقه‌پژای تطبیقی ایران



فصلنامه فقه‌پژای تطبیقی

Volume 3, Issue 4, 2023

Examining the Protocol for Dealing with Illegal Actions against Oil Platforms in the Continental Shelf Region in Iran's Criminal Law

Amir Shakeri¹, Mohammad Reza Shadmanfar*², Hassan Poorbaferani³

1. PhD Student of Criminal Law and Criminology, Isfahan Branch (Khorasgan), Islamic Azad University, Isfahan, Iran.

2. Assistant Professor, Department of Law, Faculty of Administrative Sciences and Economics, University of Isfahan, Isfahan, Iran. (Corresponding Author)

3. Associate Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Administrative Sciences and Economics, University of Isfahan, Isfahan, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Type of Article:

Original Research

Pages: 181-193

Corresponding Author's Info

ORCID: 0000-0003-3235-552X

TELL: +989132253970

Email: mrsh23@gmail.com

Article history:

Received: .07 Oct 2023

Revised: 12 Dec 2023

Accepted: 14 Dec 2023

Published online: 22 Dec 2023

Keywords:

International Criminal Law, Terrorist Crimes, International Treaties, Oil Platforms, Political Geography of the Seas.

ABSTRACT

The purpose of this article is to review the protocol for dealing with illegal actions against oil platforms in the continental shelf region in Iran's criminal law. This article is descriptive and analytical. Materials and data are also qualitative and data collection was used in collecting materials and data. In this article, the originality of the texts, honesty and trustworthiness are observed. Despite international law dealing with the crimes against these facilities as terrorist crimes of international importance, the Iranian legislature has not taken any action regarding the criminalization of the crimes that are the subject of this protocol, and even after the escalation of terrorist crimes committed against these facilities in the last two decades. It has also refused to join the 2005 amendment protocol that describes new crimes against these facilities. The lack of description of punishment against oil platforms has not only caused the inefficiency of the domestic legal system in dealing with these crimes, but has denied the possibility of convergence of regional countries in dealing more effectively with common terrorist threats against these facilities.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2023 The Authors.

How to Cite This Article: Shakeri, A; Shadmanfar, MR & Poorbaferani, H (2023). "Examining the Protocol for Dealing with Illegal Actions against Oil Platforms in the Continental Shelf Region in Iran's Criminal Law". *Journal of Comparative Criminal Jurisprudence*, 3(4): 181-193.



انجمن علمی فقه‌های تطبیقی ایران

فصلنامه فقه‌های تطبیقی

www.jccj.ir



فصلنامه فقه‌های تطبیقی

دوره سوم، شماره چهارم، زمستان ۱۴۰۲

بررسی پروتکل مقابله با اقدامات غیرقانونی علیه سکوه‌های نفتی در منطقه فلات قاره در حقوق کیفری ایران

امیر شاکری^۱، محمدرضا شادمانفر^{۲*}، حسن پوربافرانی^۳

۱. دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران.
۲. استادیار، گروه حقوق، دانشکده علوم اداری و اقتصاد، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران. (نویسنده مسؤول)
۳. دانشیار، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده علوم اداری و اقتصاد، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

چکیده

هدف مقاله حاضر، بررسی پروتکل مقابله با اقدامات غیرقانونی علیه سکوه‌های نفتی در منطقه فلات قاره در حقوق کیفری ایران است. مقاله حاضر توصیفی - تحلیلی است. مواد و داده‌ها نیز کیفی است و از فیش‌برداری در گردآوری مطالب و داده‌ها استفاده شده است. به‌رغم برخورد حقوق بین‌الملل با جرایم علیه این تأسیسات به‌عنوان جرایم تروریستی دارای اهمیت بین‌المللی، قانونگذار ایران هیچ‌گونه اقدامی در خصوص جرم‌انگاری جرایم موضوع این پروتکل ننموده و حتی پس از تشدید جرایم تروریستی ارتكابی علیه این تأسیسات در دو دهه اخیر نیز از الحاق به پروتکل اصلاحی مصوب ۲۰۰۵ که جرایم نوین متوجه این تأسیسات را توصیف نموده، خودداری نموده است. عدم توصیف جزایی علیه سکوه‌های نفتی نه‌تنها سبب ناکارآمدی نظام حقوق داخلی در برخورد با این جرایم گردیده، بلکه امکان همگرایی کشورهای منطقه در برخورد مؤثرتر با تهدیدات مشترک تروریستی علیه این تأسیسات را سلب نموده است.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۱۸۱-۱۹۳

اطلاعات نویسنده مسؤول

کد ارکید: ۵۵۲۸-۳۲۳۵-۰۰۰۳-۰۰۰۰۰۰۰۰

تلفن: +۹۸۹۱۳۲۲۵۳۹۷۰

ایمیل: mrsh23@gmail.com

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۷/۱۵

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۲/۰۹/۲۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۹/۲۳

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۱۰/۰۱

واژگان کلیدی:

حقوق جزای بین‌الملل، جرایم تروریستی، معاهدات بین‌المللی، سکوه‌های نفتی، جغرافیای سیاسی دریاها.

خوانندگان این مجله، اجازه توزیع، ترکیب مجدد، تغییر جزئی و کار روی حاضر به صورت غیرتجاری را دارند.



© تمامی حقوق انتشار این مقاله، متعلق به نویسنده می‌باشد.

مقدمه

اگرچه در طول دهه هشتاد میلادی اقدامات تروریستی متعددی علیه امنیت دریانوردی صورت گرفته بود، اما کنوانسیون‌های ۱۹۵۸ و ۱۹۸۲ در زمینه حقوق دریاها هیچ اشاره‌ای به تروریسم دریایی نداشتند و عمده توجه آن‌ها به موضوع دزدی دریایی بود. تروریسم دریایی بنا بر تعریف ارائه شده، در شورای همکاری امنیتی آسیا - اقیانوسیه، دربرگیرنده اقدامات و فعالیت‌های خشونت‌آمیز و غیرقانونی صورت‌گرفته در دریاها علیه کشتی، سکوهای ثابت، بنادر و همچنین مسافران و پرسنل یک کشتی و همچنین علیه تسهیلات ساحلی، مناطق توریستی ساحلی و بنادر است که در راستای مقاصد تروریستی صورت می‌پذیرد (Wee, 2016: 33-56) و از آن به‌عنوان دومین بازیگر عرصه تهدید امنیت دریاها پس از دزدی دریایی یاد می‌شود (ادیان و دیگران، ۱۴۰۱: ۳۵-۱۵). ناکارآمدی اسناد بین‌المللی موجود در مواجهه با پدیده‌های مجرمانه نوظهور در عرصه دریا و نگرانی جامعه جهانی از گسترش روزافزون جرایم علیه عبور و مرور کشتی‌ها و خدمه مستقر در آن‌ها و سلب امنیت دریانوردی، کشورها را بر آن داشت تا تعاملات مؤثری در مقوله مبارزه با اقدامات غیرقانونی علیه ایمنی دریانوردی اتخاذ نمایند و مفهوم تروریسم دریایی اهمیت افزونی در نظر کنشگران عرصه حقوق دریاها ایجاد نماید. در این میان حادثه ارتكابی در ۷ اکتبر سال ۱۹۸۵ علیه کشتی آشیل لارو^۱ که از بندر جنوای ایتالیا عازم مصر و سرزمین‌های اشغالی فلسطین بود و از سوی چهار عضو سازمان آزادی بخش فلسطین در آب‌های مصر ربوده شد، به‌عنوان محرک جدیدی در تلاش‌های جامعه جهانی در برخورد با تروریسم دریایی محسوب می‌گردد که آسیب‌پذیری دریاها و ناکارآمدی اسناد بین‌المللی را در برخورد با این قبیل جرایم بیش از پیش آشکار نمود (Azubuike, 2009: 56-95).

هم‌زمان با اوج‌گیری اقدامات تبهکارانه علیه امنیت دریانوردی در دهه هشتاد میلادی، سکوهای نفتی واقع در آب‌های فلات قاره نیز به‌عنوان یکی از اهداف اساسی حملات تروریستی

مورد توجه قرار گرفت. از سال ۱۹۶۸ لغایت ۱۹۸۸ بیش از ۲۰۰ حمله به تأسیسات نفتی در آب‌های بین‌المللی ثبت گردید که مصادیق متنوعی از جرایم ارتكابی علیه این تأسیسات را نشان می‌دهد (Kashubsky, 2013). به گزارش اداره ضد تروریسم بریتانیا و نروژ، در سال ۱۹۸۱ تأسیسات نفتی واقع در دریای شمال مورد تهدید تروریستی قرار گرفت. همچنین شرکت نفت بریتانیا در همان سال گزارش داد هم‌زمان با بازدید ملکه از پایانه نفتی اسکوتیش، در این پایانه انفجار روی داده است. در سال ۱۹۸۳ تأسیسات نفتی شورون^۲ واقع در سواحل کالیفرنای آمریکا نیز تهدید به بمب‌گذاری شد، اما مهم‌ترین این اقدامات علیه سکوهای نفتی، در سال ۱۹۸۷ در زمان جنگ ایران و عراق توسط کشتی‌های جنگی روی داد (Jenkins, 1989: 4). حملات تروریستی علیه تأسیسات نفتی واقع در منطقه فلات قاره به‌طور ذاتی آثار زیان‌بار اقتصادی و زیست‌محیطی فراوانی دارند و به‌دلیل دوربودن از ساحل به‌شکل گسترده‌تری آسیب‌زننده هستند (Martin, 2015: 6). درنهایت تلاش‌ها برای مقابله با اعمال غیرقانونی علیه این تأسیسات در قالب پروتکل الحاقی به کنوانسیون ۱۹۸۸ رم رسمیت یافت. ایران به‌موجب قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون مقابله با اعمال غیرقانونی علیه ایمنی دریانوردی و پروتکل ضمیمه آن درخصوص مقابله با اعمال غیرقانونی علیه ایمنی سکوهای نفتی ثابت واقع در فلات قاره مصوب ۱۳/۰۹/۱۳۸۷ با اعمال حق شرط به این پروتکل پیوسته است (صیرفی، ۱۳۹۴: ۱۳۷).

این پروتکل که به‌عنوان مهم‌ترین سند بین‌المللی در زمینه حمایت از سکوهای نفتی ثابت واقع در آب‌های فلات قاره محسوب می‌گردد، در تاریخ چهاردهم اکتبر سال ۲۰۰۵ مورد بازنگری قرار گرفت و اصلاحات صورت‌گرفته در آن نیز از تاریخ ۲۸ جولای سال ۲۰۱۰ اجرایی گردیده، لکن از مجموع کشورهای عضو پروتکل مصوب سال ۱۹۸۸، تاکنون صرفاً ۵۳ کشور به این اصلاحیه پیوسته‌اند و کشور ما نیز از جمله اعضای است که تاکنون به این سند اصلاحی ملحق نگردیده است. در این مقاله با روش تحلیل توصیفی و با بررسی اسناد

² - Chevron Oil Platform

¹ - Achille Lauro

الحاقی به آن، درخصوص این پروتکل نیز لازم‌الاجراست، کشورهای عضو مکلفند جرایم موضوع پروتکل را با مجازات‌های مناسبی که ماهیت جدی جرایم را در نظر می‌گیرد، قابل مجازات سازند.

بنابراین پس از تصویب و تنفیذ این پروتکل، کشورهای عضو از این صلاحیت و امکان حقوقی برخوردار بودند تا نسبت به تنظیم قوانین کیفری مؤثر در برخورد با پدیده‌های مجرمانه علیه این تأسیسات در عرصه بین‌المللی اقدام نمایند و قوانین داخلی خود را متناسب با جرایم پیش‌بینی شده در این پروتکل به‌روزرسانی نمایند. بدیهی است که اثربخشی تدابیر داخلی در زمینه برخورد با این قبیل جرایم، مستلزم توجه به اسناد بین‌المللی حاکم بر جغرافیای سیاسی دریاها و حقوق عرفی بین‌المللی در زمینه اعمال حاکمیت داخلی در عرصه بین‌المللی است و تهیه‌کنندگان این پروتکل با تأکید بر انتخاب سیاست کیفری متناسب با اهمیت جرایم موضوع پروتکل، بر ضرورت تطابق ظرفیت‌های حقوق ملی با ضوابط به رسمیت شناخته شده در عرف بین‌الملل تأکید نموده‌اند.

۲- قلمروی حقوقی پروتکل

قلمرو مکانی پروتکل در جغرافیای سیاسی دریاها، محدوده منطقه فلات قاره می‌باشد و مفاد آن صرفاً به سکوهای نفتی ثابت واقع در این منطقه تسری دارد. به‌موجب ماده ۱ آیین‌نامه احداث و استفاده از تأسیسات فلات قاره و منطقه انحصاری ایران در خلیج فارس و دریای عمان که به استناد ماده ۲۳ قانون مناطق دریایی ایران تدوین گردیده، «منطقه فلات قاره عبارتست از بستر، زیر بستر، کف و زیر کف مناطق دریایی ماورای دریای سرزمینی ایران و در امتداد و دنباله طبیعت قلمرو سرزمینی کشور تا لبه بیرونی حاشیه فلات قاره تا مساحت ۲۰۰ مایل دریایی از خط مبدأیی که برای تعیین عرض دریای سرزمینی در قوانین ایران پیش‌بینی شده است.» بنابراین این پروتکل در سایر مناطق دریایی فاقد اثر حقوقی می‌باشد.

علاوه بر این موضوع این پروتکل در محدوده فلات قاره نیز صرفاً سکوهای ثابت نفتی است و شامل هر نوع تأسیسات نفتی نمی‌شود. مفهوم سکوهای ثابت نفتی در بند ۳ ماده ۱ تعریف شده‌اند. به موجب این بند، سکوی ثابت به مفهوم

و مدارک کتابخانه و الکترونیکی موجود ابتدا به بررسی نظام حقوقی حاکم در این کنوانسیون پرداخته، سپس جایگاه حقوقی این پروتکل را در نظام حقوق کیفری ایران و انطباق ظرفیت‌های حقوق داخلی با تکالیف مندرج در آن را بررسی کرده است.

۱- نظام حقوقی پروتکل

برابر با دیباچه این پروتکل، دلایلی که منجر به تدوین کنوانسیون مقابله با اقدامات غیرقانونی علیه ایمنی دریانوردی شده، درخصوص حمایت از سکوهای ثابت نفتی نیز موضوعیت دارد. باتوجه به مبانی نظری تأسیس این پروتکل، جرایم پیش‌بینی شده در آن نیز ماهیت تروریستی داشته و به‌همراه سایر پروتکل‌ها و کنوانسیون‌های موضوع مقابله با اعمال غیرقانونی در زمره معاهدات ضد تروریستی بین‌المللی قرار می‌گیرد.

موضع دولت‌ها در قبال اجرای تعهدات ناشی از معاهدات بین‌المللی باتوجه به سیاق الزامات و تکالیف ناشی از معاهدات متفاوت می‌باشد. مقررات برخی معاهدات مانند کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو به‌گونه‌ای است که اجرای مستقیم تعهدات آن‌ها از سوی دولت‌های عضو از مفاد آن‌ها استنباط می‌گردد و اصطلاحاً «خود اجراشونده» هستند، اما در برخی دیگر از معاهدات، برای آنکه محاکم داخلی از صلاحیت لازم برای رسیدگی به جرایم موضوع تعهد برخوردار شوند، دولت متعاقد وظیفه دارد در اجرای تعهدات بین‌المللی قانونی وضع کند که در انطباق با مقررات معاهده باشد (اردبیلی، ۱۳۸۹: ۱۰۵-۶۸).

دولت‌ها در اتخاذ تدابیر تقنینی لازم جهت برخورد با این قبیل جرایم نمود بیشتری می‌یابد. با این وجود پروتکل الحاقی به کنوانسیون ۱۹۸۸ رم از حیث نحوه اجرای تعهدات، مصداق آن دسته از معاهداتی است که اجرای آن منوط به اتخاذ تدابیر داخلی از سوی دولت‌های عضو است. به‌موجب ماده ۳ این کنوانسیون «هر کشور عضو اقداماتی را که ممکن است برای احراز صلاحیت خود در ارتباط با جرایم مندرج در ماده ۲ این پروتکل لازم باشد، اتخاذ خواهد نمود...» از طرف دیگر به‌موجب ماده ۵ کنوانسیون ۱۹۸۸ رم که به استناد ماده ۱ پروتکل

^۱ - Self Executing

تا ۱۶ کنوانسیون (شامل اعمال صلاحیت، قاعده تعهد به استرداد یا محاکمه و استرداد مجرمین، مساعدت کشورهای عضو در جریان دادرسی کیفری، اتخاذ تدابیر لازم در پیشگیری از وقوع جرایم موضوع پروتکل و نحوه حل اختلاف میان کشورهای عضو) با اعمال تغییرات لازم باید نسبت به جرایمی که بر روی یا علیه سکوهای نفتی ثابت که روی فلات قاره مستقر شده‌اند، ارتکاب می‌یابند، اعمال شود. جرایم موضوع این پروتکل در ماده ۲ آن تشریح شده است. به موجب این ماده: «در صورتی که هر شخصی به‌طور غیرقانونی و به‌طور عمد اقدامات زیر را انجام دهد، مرتکب جرم شده است: الف- تصرف یا اعمال کنترل بر سکوی ثابت با توسل به زور یا تهدید آن یا هرگونه اقدام رعب‌انگیز؛ یا ب- انجام عمل خشونت‌آمیز علیه اشخاص روی سکوی ثابت، در صورتی که آن عمل احتمالاً ایمنی آن‌ها را به‌مخاطره اندازد؛ یا پ- انهدام سکوی ثابت یا ایراد خسارت به آنکه احتمالاً ایمنی آن را به‌مخاطره اندازد؛ یا ت- کارگذاری یا فراهم‌نمودن موجبات کارگذاری دستگاه یا ماده‌ای به هر ترتیب بر روی سکوی ثابت که احتمالاً موجب انهدام آن سکوی ثابت گردد یا احتمالاً ایمنی آن را به‌مخاطره اندازد؛ یا ث- قتل یا مجروح‌نمودن هر شخصی در راستای ارتکاب یا مبادرت به ارتکاب هریک از جرایم مندرج در جزءهای «الف» تا «ت» در صورتی که هر شخصی اقدامات زیر را انجام دهد نیز مرتکب جرم شده است: الف- مبادرت به ارتکاب هریک از جرایم مندرج در بند ۱؛ یا ب- تشویق هر شخصی به ارتکاب هریک از جرایم مذکور یا به‌نحو دیگری همدستی با شخصی که چنین جرمی را مرتکب می‌شود؛ پ- تهدیدات مشروط یا بلاشرط به‌گونه‌ای که در قوانین ملی با هدف اجبار شخص حقیقی یا حقوقی به انجام یا امتناع از انجام هرگونه عملی جهت ارتکاب هریک از جرایم مندرج در جزءهای «ب» و «پ» بند ۱ پیش‌بینی شده، در صورتی که تهدید مذکور احتمالاً ایمنی سکوی ثابت را به‌مخاطره اندازد.»

علاوه بر موارد فوق به‌موجب جزء ۲ ماده ۶ کنوانسیون که در بند ۲ ماده ۳ پروتکل نیز مورد اشاره قرار گرفته، در چند حالت دیگر صلاحیت کشورهای عضو پروتکل در خصوص رسیدگی به جرایم موضوع آن فعال می‌گردد که این موارد به شرح زیر

جزیره، تأسیسات یا سازه مصنوعی است که به‌منظور اکتشاف یا بهره‌برداری از منابع یا مقاصد اقتصادی دیگر به‌طور دائم به بستر دریا وصل شده است، اگرچه در تعریف سکوهای ثابت به بستر دریا اشاره شده، اما در مقدمه و عنوان پروتکل تماماً به منطقه فلات قاره اشاره شده است. شایان ذکر است در جغرافیای سیاسی دریاهای، بستر دریاهای دو منطقه دریایی مختلف مورد توجه و منشأ تبیین قواعد حقوقی قرار گرفته است. یکی بستر فلات قاره و دیگری بستر اعماق اقیانوس‌ها و آب آزاد که در این پروتکل بستر منطقه فلات قاره برابر با آنچه که در ماده ۷۹ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاهای مورد اشاره قرار گرفته، مد نظر واضعین پروتکل بوده است.

باتوجه به تعریف مذکور کشتی‌های نفتی و نیز سکوهای حفاری متحرک که به‌صورت موقت به بستر دریا متصل می‌شوند، استثنا می‌شوند، اما یکی از موضوعات مهمی که در تحلیل این پروتکل مورد توجه می‌باشد، بررسی تسری نظام حقوقی پیش‌بینی شده در آن نسبت به سکوهای نفتی غیرثابت دریایی است. اساساً از سکوهای ثابت دریایی در مناطقی که فاصله سطح آب با بستر دریا زیاد نبوده و مقاومت سازه‌های متصل به کف دریا در برابر امواج طبیعی در حد قابل اتکا باشد، استفاده می‌شود، لکن در سایر موارد با استفاده از تکنولوژی روز، جهت بهره‌برداری از منابع نفتی واقع در منطقه فلات قاره از سکوهای نیمه‌شناور یا شناور استفاده می‌شود. در تعریف مندرج در بند ۳ ماده ۱ پروتکل، شاخصه شناخت سکوهای ثابت نفتی، اتصال دائم آن‌ها به بستر دریا می‌باشد. منظور از دائم در این تعریف مادام‌العمر بودن این اتصال نیست، بلکه منظور آن است که این سکوها چه در حال بهره‌برداری و چه در حالت خارج از سرویس‌بودن، به بستر دریا اتصال دارند، وگرنه همین سکوها نیز حسب مأموریت‌های عملیاتی قابل جابه‌جایی سطح دریا می‌باشند، لکن به‌دلیل اتصال به بستر دریا، ثابت و غیرمنقول تلقی می‌گردند.

۳- سیاست کیفری پروتکل

نظام کیفری پیش‌بینی شده در این پروتکل بر مبنای کنوانسیون تعریف می‌شود. ماده ۱ پروتکل مقرر می‌دارد مواد ۵، ۷ و ۱۰

کشورهایی که صلاحیت قانونی رسیدگی به اتهام وی را دارد، مسترد نگردید، آن دولت مکلف به رسیدگی به اتهام وی خواهد بود. این تکلیف برگرفته از قاعده مندرج در بند ۱ ماده ۱۰ کنوانسیون مقابله با اقدامات غیرقانونی علیه دریانوردی بین‌المللی است که درخصوص پروتکل نیز قابلیت اجرا دارد. بنابراین علاوه بر دو معیار صلاحیتی فوق، صلاحیت جهانی رسیدگی به جرایم نیز در این بند از پروتکل به رسمیت شناخته شده است. توسعه معیارهای صلاحیت کشورهای عضو در فروض مختلف ارتکاب جرم از سوی اتباع بیگانه و اعطای حق استفاده از معیارهای مختلف احراز صلاحیت کیفری در برخورد با جرایم موضوع این پروتکل، علاوه بر نمایان ساختن اهمیت این تأسیسات در نظام بین‌الملل، بیانگر ضرورت اجرای اصل مقابله با بی‌کیفری در حقوق بین‌الملل نیز می‌باشد.

به‌موجب سند ضمیمه پروتکل، به دلیل وجود نظام‌های جزایی متفاوت میان دولت‌ها، هیچ‌گونه مجازات مشخصی برای جرایم موضوع پروتکل پیش‌بینی نشده است، اما به‌موجب پروتکل، کشورها مکلفند نسبت به پیش‌بینی مجازات‌های متناسب با اهمیت این جرایم اقدام نمایند و در صورت وجود تناسب و اهمیت جرایم حتی مجازات‌های سالب حیات نیز به رسمیت شناخته شده است. پروتکل مجموعه‌ای از شرایط الزامی و اختیاری را جهت اعمال صلاحیت کشورهای عضو مقرر نموده که در قالب ظروط لزوم تعقیب یا استرداد مجرم تشریح گردیده است و تمامی اصولی که برای اعمال صلاحیت در این پروتکل به رسمیت شناخته شده درخصوص موارد موضوع صلاحیت تکمیلی نیز ملاک عمل می‌باشد. در ارتباط با این تعهد، دولت عضو متعهد است در مواردی که هیچ‌یک از ضوابط اعمال صلاحیت مقرر در ماده ۳ پروتکل به نفع آن دولت وجود ندارد، اما مرتکب جرایم موضوع ماده یک این پروتکل در قلمرو حاکمیت آن یافت شود، نسبت به استرداد آن به کشوری که به‌موجب ماده ۲ کنوانسیون خود را صالح به تعقیب می‌داند، استرداد نماید یا در صورت عدم موافقت با استرداد نسبت به تعقیب مرتکب اقدام نماید. جهت اعمال این تعهد لازم است کشورهای عضو پروتکل معیار

می‌باشند: «الف- چنانچه جرم توسط شخص بدون تابعیتی که در آن کشور اقامت دائم دارد، صورت پذیرد؛ ب- چنانچه در حین ارتکاب جرم تبعه آن کشور توقیف، تهدید، مجروح یا به قتل رسیده باشد؛ ج- چنانچه شروع به ارتکاب عملی برای مجبورکردن آن کشور به فعل یا ترک فعلی نسبت سکوهای موضوع پروتکل و اشخاص حاضر در آن روی داده باشد.»

در متن پروتکل مقابله با جرایم موضوع پروتکل و مجازات آن‌ها به نظام کیفری داخلی کشورهای عضو احاله شده است.^۱ چنین قیدی در مفاد پروتکل نه تنها بیانگر الزام کشورها به جرم‌انگاری و تعیین مجازات برای جرایم مقرر در ماده ۲ است، بلکه باید در زمان توصیف جزایی این اقدامات مطابق با ماده ۵ کنوانسیون که نسبت به پروتکل نیز حاکم است، به قید تناسب مجازات‌ها با اهمیت این جرایم نیز توجه شود.

صلاحیت رسیدگی به جرایم موضوع این پروتکل برای کشورهای عضو زمانی ایجاد می‌شود که جرایم موضوعه علیه یا بر روی سکوهای نفتی ثابت آن کشور یا توسط اتباع آن کشور نسبت به سکوهای نفتی ثابت آن کشور یا سایر کشورها ارتکاب یابد. بنابراین معیار صلاحیت پذیرفته شده در این پروتکل مبتنی بر قاعده صلاحیت واقعی است که در کنار آن صلاحیت شخصی مرتکبین این جرایم نیز به‌عنوان ضابطه مکمل آن برای رسیدگی کشور عضو پروتکل به رسمیت شناخته شده است. در مفاد این کنوانسیون به‌موجب جزء ۱ بند ۱ ماده ۳ به توسعه ضابطه صلاحیت شخصی به افراد غیرتابعه، اما مقیم در کشور عضو پرداخته شده و به‌موجب جزء ۲ بند ۲ ماده ۳ معیار صلاحیت مبتنی بر تابعیت مجنی علیه نیز به‌عنوان یکی دیگر از ابزارهای فعال‌سازی مداخله کیفری کشور عضو به رسمیت شناخته شده است. کشورهای عضو در صورت احراز این صلاحیت مکلفند دبیرخانه پروتکل را از اعمال صلاحیت کیفری خود آگاه سازند.

از طرف دیگر به‌موجب بند ۴ ماده ۳ پروتکل، هرگاه فرد متهم به ارتکاب جرایم موضوع پروتکل در قلمرو حاکمیت یکی از کشورهای عضو پروتکل یافت شد و به هیچ‌یک از

^۱ - As is provided for under national law

صلاحیت جهانی بر مبنای حضور متهم (دستگیری متهم) را در قوانین جهانی خود به رسمیت بشناسند.

مطابق با بند ۲ ماده ۵ پروتکل کشورها می‌توانند موافقت خود را در پیوستن به این پروتکل از طریق امضای بدون حق شرط یا امضای مشروط و یا الحاق به پروتکل اعلام نمایند. کشور ما به موجب قانون مصوب ۱۳۸۷/۰۹/۱۳ مجلس شورای اسلامی با اعمال حق شرط خود در خصوص دو مورد از موضوعات مندرج در پروتکل به آن پیوسته است.

۴- پروتکل اصلاحی سال ۲۰۰۵ در نظام حقوقی ایران

رویکرد پروتکل ۱۹۸۸ در جرم‌انگاری اقدامات ارتكابی علیه تأسیسات نفتی ثابت واقع در منطقه فلات قاره، در قالب تلقی این جرایم به عنوان جرایم دارای اهمیت بین‌المللی یا جرایم معاهداتی است، به گونه‌ای که در چهارچوب یک سند بین‌المللی به مجرمانه بودن این اقدامات اشاره شده و از دولت‌ها خواسته شده به تعیین مجازات متناسب و جرم‌انگاری آن‌ها در قوانین داخلی پرداخته شود. این جرایم از جمله جرایم سنتی و آشنا در کلیه نظام‌های حقوقی است که صرفاً به جرم‌انگاری آن‌ها در سکوه‌های ثابت نفتی واقع در محیط جغرافیای سیاسی فلات قاره پرداخته شده بود، اما گسترش اقدامات خرابکارانه در سامانه‌های راهبری این تأسیسات به موازات پیشرفت فناوری و جایگاه حیاتی آن در حوزه بهره‌برداری از منابع نفتی واقع در منطقه فلات قاره، حمایت از امنیت اطلاعات و تجهیزات مورد استفاده در مدیریت عملکرد این تأسیسات را آشکار ساخته بود. همچنین عدم برخورداری این تأسیسات از امنیت کافی به واسطه استقرار آن‌ها در فاصله زیاد با دولت‌های ساحلی و ضریب بالای آسیب‌پذیری آن‌ها نسبت به سایر تأسیسات زیربنایی واقع در محدوده قلمروی حاکمیت دولت‌ها بالا برده بود. از طرف دیگر تأثیرپذیری جامعه بین‌المللی از عواقب حوادث تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ و توجه جامعه جهانی به فرصت‌ها و ابزارهای نوینی که جهت انجام مقاصد تروریستی مورد استفاده قرار می‌گرفت، سبب گردید در سال ۲۰۰۵ کشورهای عضو پروتکل الحاقی به کنوانسیون ۱۹۸۸ رم، تغییراتی را در جرم‌انگاری اقدامات مرتبط با امنیت این سکوها اعمال نمایند.

در این میان توجه اصلی پروتکل ۲۰۰۵ معطوف به گسترده‌تر کردن دامنه شمول اعمال جرم‌انگاری شده در کنوانسیون ۱۹۸۸ رم بود تا از این طریق بتواند پاسخگوی تهدیدات جدید برخاسته از تروریسم و دیگر اعمال خشونت‌آمیز و غیرقانونی در عرصه دریاها باشد (طلایی و جاویدبخت، ۱۴۰۱: ۱۹۱). بنابر گزارش سال ۲۰۰۹ دفتر مبارزه با جرایم و مواد مخدر سازمان ملل، به موجب ماده ۴ پروتکل اصلاحی جرایم سه‌گانه تهدیدات بیولوژیک، تهدیدات شیمیایی و تهدیدات ناشی از سلاح‌های هسته‌ای و مواد منفجره و رادیواکتیو علیه تأسیسات نفتی واقع در منطقه فلات قاره را به عنوان جرایم نوظهوری که تحت صلاحیت کشورهای عضو پروتکل می‌باشند، تعریف و در قالب جزء اول بند ۲ ماده ۲ به پروتکل مصوب ۱۹۸۸ اضافه گردید. همچنین هرگونه تخلیه موارد نفتی، گاز مایع طبیعی یا هرگونه مواد زیان‌آور و سمی به جزء مواد سه‌گانه فوق از سکوه‌های ثابت نفتی به مقدار یا حجمی که سبب یا بتواند سبب مرگ، مصدومیت یا هرگونه آسیب شود، در قالب جزء دوم بند ۲ ماده ۲ به عنوان جرم جدید دیگری به پروتکل ۱۹۸۸ افزوده شد و کشورها توافق نمودند هرگونه تهدید به ارتکاب این جرایم جدید نیز به عنوان جرم مستقل شناخته می‌شود.

همچنین با الحاق این جرایم جدید به موجب ماده ۳ این پروتکل، فعل موضوع بند ۵ ماده ۲ پروتکل ۱۹۸۸ مبتنی بر قتل یا مجروح نمودن هر شخصی در راستای ارتکاب یا مبادرت به ارتکاب هریک از جرایم مندرج در جزءهای «الف» تا «ت»، اصلاح و باتوجه به تعریف جرایم جدید در شمار رفتارهای مجرمانه موضوع پروتکل، فعل مجرمانه موضوع این بند در ارتباط با جرایم اضافه شده به پروتکل نیز توسعه یافت. در نظام کیفری این پروتکل، به استناد بخش دوم ماده ۲، شروع به ارتکاب جرایم مندرج این ماده و معاونت در ارتکاب آن‌ها همچنین هرگونه همکاری با گروه‌هایی که قصد ارتکاب این جرایم را دارند، به شرط آگاهی از قصد آن‌ها نیز به عنوان یک عمل قابل مجازات شناخته شده است. پروتکل سال ۲۰۰۵ الحاقی به پروتکل ۱۹۸۸ نیز از ۲۸ جولای سال ۲۰۱۰ با گذشت مدت ۹۰ روز از الحاق تعداد سه کشور عضو

به شرح مندرج در ماده ۹، اجرایی گردید که به رغم رویکرد سختگیرانه در کیفی‌گزینی این جرایم در حقوق کیفری ایران، کشور ما تاکنون به آن ملحق نگردیده است (توحیدی نافع و امیرلی، ۱۳۹۷: ۱۰۱-۶۷). رویکرد غیرمسئولانه قانونگذار ایران در قبال این پروتکل و عدم جرم‌انگاری جرایم مندرج در آن باتوجه به اهمیت این تأسیسات در نظام اقتصادی و اقتدار سیاسی کشور، با هیچ یک از مبانی فلسفی جرم‌انگاری سازگار نیست، خصوصاً در عصری که اهمیت این جرایم به حدی است که از نظر برخی امروزه صرف جرم‌انگاری اعمال مذکور در قالب جرایم دارای اهمیت بین‌المللی یا جرایم معاهداتی کفایت نکرده و برای پیشگیری و مبارزه کیفی مؤثرتر با این نوع تروریسم شناسایی آن به‌عنوان یک جنایت بین‌المللی^۱ اجتناب‌ناپذیر است (حکیم‌زاده خویی و عبدالهی، ۱۳۹۶: ۱۸۹-۱۵۱). نظر به این‌که در مقدمه پروتکل ۱۹۸۸ یکی از مبانی تدوین پروتکل کمک به هم‌افزایی کشورها در برخورد با اقدامات تروریستی علیه این تأسیسات بیان شده، عدم اقدام کشورمان در پذیرش این پروتکل نقض قواعد همکاری منطقه‌ای در جغرافیای سیاسی دریا نیز محسوب می‌شود. از آنجا که دولت‌ها به‌عنوان اصلی‌ترین بازیگران حقوق بین‌الملل می‌باشند و قواعد رفتاری بین‌المللی بدون تلاش آن‌ها هیچ‌گونه قدرت اثرگذاری ندارند، معمولاً ساده‌ترین و مؤثرترین راه ممکن برای حمایت از منافع مشترک میان دولت‌ها در یک محدوده جغرافیایی دارای اشتراکات سیاسی و اقتصادی، توافقاتی است که بر مبنای اسناد بین‌المللی صورت می‌پذیرد که نمود آن را می‌توان در محدوده خلیج فارس مشاهده نمود. در جغرافیای سیاسی به یک فضای جغرافیایی که از یک سلسله پدیده‌های مشابه و عوامل پیونددهنده اجزای فیزیکی و انسانی آن محیط برخوردار باشد، منطقه گفته می‌شود (وحیدی و همکاران، ۱۴۰۱: ۲۱۴-۱۹۱). شناخت یک محدوده جغرافیایی به‌منزله یک منطقه مطابق با این تعریف، بیانگر آن است که حوادث تروریستی در اقتصاد یک کشور می‌تواند هزینه‌های قابل توجهی را به کشورهای واقع در آن منطقه تحمیل نماید. بنابراین وجود میداین مشترک و اختصاصی نفت و گاز و نیز ارتباط و تأثیرگذاری

بهره‌برداری و صیانت از میداین در حقوق دولت‌های ساحلی صاحب میداین، مهم‌ترین شاخصه‌های شناسایی محدوده خلیج فارس را به‌عنوان یک منطقه جغرافیایی نیازمند تعریف قواعد رفتاری در زمینه حفظ امنیت تأسیسات نفتی واقع در آن آشکار می‌سازد. این تعامل در حقوق بین‌الملل از طریق همگرایی دولت‌های منطقه در ایجاد سازوکارهای مشترک در برخورد با تهدید مشترک صورت می‌پذیرد. همگرایی منطقه‌ای فرایندی است که دولت‌های سیاسی مجزا در یک منطقه به‌طور داوطلبانه و آگاهانه از قسمتی از اقتدار خود و اعمال آن جهت دستیابی به اهداف مشترکشان صرف نظر کرده و یک قدرت مافوق ملی را تبعیت نمایند (قوام، ۱۳۹۶: ۲۴۶)، اما لازمه این همگرایی در قدم اول تبعیت از الگوهای رفتاری بین‌المللی بیان شده در اسناد بین‌المللی به‌عنوان فصل مشترک جامعه جهانی است. علاوه بر این، «ایجاد ساختار و تشکیلات لازم جهت پیشگیری از جرایم بین‌المللی زمانی مؤثر خواهد بود که دولت‌ها علاوه بر تدوین برنامه‌های ملی خود برای پیشگیری از چنین جرایمی، با عضویت و مشارکت در اجرای برنامه‌های بین‌المللی در قالب معاهدات و کنوانسیون‌ها نقش‌آفرینی نمایند» (جوان جعفری، ۱۳۹۱: ۱۷۴). زمانی که دولتی در چهارچوب حقوق داخلی خود اقدام به جرم‌انگاری عملی در جهت اجرای یک سند بین‌المللی می‌نماید، درحقیقت این اقدام در راستای همکاری با سایر دولت‌ها نمود پیدا می‌کند (سلیمی، ۱۳۹۱: ۲۶۶) و متقابلاً عدم اقدام در زمینه جرم‌انگاری این اقدامات از سوی یک دولت را خصوصاً در زمانی که با سایر دولت‌های منطقه دارای اشتراکات سیاسی و امنیتی درخصوص موضوع باشد، می‌توان به‌منزله رویکرد متفاوت و عدم همسویی با دیدگاه غالب منطقه درخصوص موضوع دانست، چراکه همکاری بین‌المللی در موضوعات کیفری مطابق با تعهدات و مقررات بین‌المللی، اساس تلاش دولت‌ها برای پیشگیری تعقیب و مجازات در شکل بین‌المللی آن است. در شرایط امنیتی فعلی که با افزایش توان نظامی سازمان‌های تروریستی فراملیتی، پیشگیری از حمله علیه تأسیسات حیاتی نفت و گاز در منطقه فلات قاره تلاش جدی‌تری را اقتضا می‌کند (Ashraf, 2012: 7). کوتاهی قانونگذار ایران در الحاق به پروتکل

^۱ - International Crime

سازند، لذا با عنایت به اصل جهان‌شمول قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها، جهت استناد به مقررات پروتکل الحاقی رم در زمینه جرم‌انگاری رفتارهای مجرمانه موضوع آن، ضروری است اعمال مندرج در آن در قوانین داخلی با مجازات‌های قانونی متناسب روبه‌رو گردند. به‌رغم آنکه در عمده کنوانسیون‌های بین‌المللی مقابله با تروریسم بر همکاری دولت‌ها در مقابله کیفری با جرایم موضوع آن‌ها اشاره شده و به تعیین مجازات برای جرایم مندرج در آن‌ها پرداخته نشده، اما عموماً دولت‌های عضو که این کنوانسیون‌ها و پروتکل‌های الحاقی را به‌عنوان بخشی از قوانین داخلی خود تصویب می‌نمایند، اغلب فاقد الزامات اجرایی برای اجرای آن‌ها هستند (حکیم‌زاده خوبی و عبدالهی، ۱۳۹۶: ۱۸۹-۱۵۱) که این مسأله درخصوص کشورمان نیز صادق است. در قانون الحاق کشورمان به این پروتکل، هیچ‌گونه مجازاتی برای جرایم موضوع آن در نظر گرفته نشده و در مقررات عمومی جزایی نیز هیچ‌گونه جرم‌انگاری در حمایت از این تأسیسات صورت نگرفته است. درحقیقت به‌رغم وجود ظرفیت قانونگذاری و نقش‌آفرینی کیفری در منطقه خارج از حاکمیت فلات قاره، مقدمات لازم برای اعمال صلاحیت کیفری در این محدوده جغرافیایی فراهم نشده و با توجه به شمول اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها و تأسی نظام کیفری کشورمان از رویکرد واکنش‌گرا در شناسایی جرم، از آنجا که مجازاتی برای جرایم مندرج در این پروتکل تعیین نشده، شناسایی این رفتارها با عنوان جرم نیز بر مبنای قانون الحاقی به کنوانسیون و پروتکل مصوب ۱۳۸۷ میسر نیست.

در میان عمومات قانونی نیز عدم توجه به سکوه‌های نفتی ثابت واقع در منطقه فلات قاره از سوی قانونگذار شایع بوده است. اولین سند قانونی حمایت کیفری از صنعت نفت در سال ۱۳۳۶ پس از حدود سه دهه از آغاز بهره‌برداری از نفت در کشورمان تحت عنوان قانون مجازات اخلاص‌گران در صنایع نفت تصویب گردید و به‌رغم وجود قوانین عام درخصوص تخریب و تحریق اموال، به‌صورت خاص به تدوین ضوابط کیفری حاکم بر نگهداری این تأسیسات پرداخت. این قانون با رویکرد سخت‌گیرانه و تساهل و تسامح صفر در توصیف جزایی اقدامات مخل در امر تولید صنعت نفت را

الحاقی و حتی استفاده از ظرفیت‌های پروتکل ۱۹۸۸ در زمینه بهره‌برداری و صیانت از تأسیسات نفتی ثابت واقع در محدوده فلات قاره سبب شده که هیچ‌گونه سند همکاری مؤثری در این خصوص میان دولت‌های منطقه تنظیم نگردد، درحالی‌که در حوزه میادین مشترک نفت و گاز واقع در منطقه فلات قاره خلیج فارس، همگرایی و همکاری منطقه‌ای برای کاهش ریسک تروریسم نسبت به تأسیسات واقع در این منطقه با پذیرش قطعی‌تری نسبت به سایر موضوعات مشترک میان کشورهای منطقه روبه‌رو می‌باشد.

۵- موضع حقوق داخلی در قبال سکوه‌های نفتی واقع در منطقه فلات قاره

به‌رغم مورد قبول بودن اصل درون‌مرزی بودن قوانین جزایی، با توجه به ضرورت مداخله کیفری در حمایت از سکوه‌های ثابت نفتی واقع در خارج از قلمرو حاکمیت دولت‌ها از سوی جامعه جهانی، امکان تنظیم قواعد رفتاری و ضمانت‌اجراه‌های کیفری در حمایت از این تأسیسات حیاتی در جغرافیای سیاسی دریاها در منطقه فلات قاره فراهم گردیده و این کنوانسیون و پروتکل الحاقی آن، که در تاریخ ۱۳۸۷/۰۹/۱۳ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده، هم‌اکنون به‌عنوان مهم‌ترین سند قانونی در زمینه حمایت کیفری از تأسیسات نفتی واقع در منطقه فلات قاره محسوب می‌شود. ماده ۲ پروتکل و اصلاحیه آن، مصادیق جرایمی که به‌موجب آن قابل تعقیب می‌باشند را به صراحت احصاء نموده و به صلاحیت دولت‌های ذی‌نفع در رسیدگی به جرایم موضوع این پروتکل اشاره نموده است. پروتکل الحاقی به کنوانسیون ۱۹۸۸ رم از حیث نحوه اجرای تعهدات، مصداق آن دسته از معاهداتی است که اجرای آن منوط به اتخاذ تدابیر داخلی از سوی دولت‌های عضو است. به‌موجب ماده ۳ این کنوانسیون: «هر کشور عضو اقداماتی را که ممکن است برای احراز صلاحیت خود در ارتباط با جرایم مندرج در ماده ۲ این پروتکل لازم باشد، اتخاذ خواهد نمود...». از طرف دیگر به‌موجب ماده ۵ کنوانسیون ۱۹۸۸ رم که به استناد ماده ۱ پروتکل الحاقی به آن، درخصوص این پروتکل نیز لازم‌الاجراست، کشورهای عضو مکلفند جرایم موضوع پروتکل را با مجازات‌های مناسبی که ماهیت جدی جرایم را در نظر می‌گیرد، قابل مجازات

صلاحیت خود در قوانین موضوعه تصریح کرده باشد و همچنین باید مطابق با اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها، عملی را که خواهان تعقیب آن است، به صراحت جرم اعلام نموده باشد. مطابق با این شرایط مشخص می‌گردد که در قانون مجازات اسلامی، تأسیسات نفتی ثابت واقع در منطقه فلات قاره در ماده ۵ این قانون به‌عنوان یکی از منافع مورد حمایت صلاحیت واقعی قرار نگرفته و در قوانین خاص مرتبط با حوزه تأسیسات نفتی نیز همان‌گونه که بیان شد، هیچ‌گونه جرم‌انگاری در این زمینه نشده است. بنابراین باتوجه به فراهم‌نبودن شرایط توسل به ضابطه اعمال صلاحیت واقعی، همچنان جرایم موضوع این پروتکل بدون پاسخ قانونی خواهند بود. شایان ذکر است مطابق با قواعد حاکم بر اعمال این اصل، منظور از قوانین خاص در ماده ۵ قانون، آن دسته از قوانین است که موضوع آن‌ها، جرایم ارتكابی در خارج از کشور باشد، وگرنه تلقی هر قانون خاص مانند قانون مجازات اخلاص‌گران صنعت نفت به‌عنوان ابزاری برای اعمال صلاحیت واقعی تفسیری مغایر با اصول پذیرفته‌شده در اعمال این اصل صلاحیتی است.

از طرف دیگر مطابق با مقدمه پروتکل مقابله با اعمال غیرقانونی علیه ایمنی سکوهای ثابت واقع در فلات قاره، دلایل توجیه‌کننده تدوین کنوانسیون مقابله با اعمال غیرقانونی علیه ایمنی دریانوردی درخصوص پروتکل الحاقی آن نیز موضوعیت دارد. بنابراین اقدامات تأمینی جهت حمایت از تأسیسات نفتی ثابت واقع در منطقه فلات قاره نیز با معیار ذهنی مقابله با تروریسم مشروعیت اجرایی خواهد یافت و جرایم موضوع پروتکل الحاقی کنوانسیون ۱۹۸۸ را می‌توان به‌عنوان یکی از مصادیق جهانی اقدامات تروریستی دانست.

در نظام حقوق داخلی ما جرایم ارتكابی علیه تأسیسات نفتی واقع در منطقه فلات قاره در زمره جرایم تروریستی قرار گرفته‌اند (اسدی جونوشی و وروائی، ۱۳۹۷: ۳۴۷-۳۲۱) که این رویکرد با مبانی نظری پروتکل و دیدگاه جامعه جهانی در تلقی این پروتکل به‌عنوان یکی از اسناد بین‌المللی مقابله با تروریست تطابق دارد. در حقوق داخلی، مهم‌ترین مستند قانونی داخلی درخصوص تروریستی تلقی‌شدن جرایم علیه

جرم‌انگاری نمود. با این وجود دیدگاه قانونگذار باتوجه به شرایط حاکم بر فعالیت‌های نفتی آن زمان، صرفاً یک رویکرد درون‌مرزی بوده و هیچ‌گونه اشاره‌ای به تأسیسات واقع در فلات قاره نشده است، هرچند در این خصوص نمی‌توان ایرادی را متوجه قانونگذار وقت دانست، چراکه نخستین قرارداد اکتشاف و بهره‌برداری نفت در خلیج فارس، اواسط دهه ۱۳۳۰ خورشیدی توسط شرکت ملی نفت ایران با شرکت ایتالیایی آجیپ منعقد شد و در راستای اجرای مطالعات موضوع این قرارداد، در نهایت در سال ۱۳۳۹ با کشف نفت در میدان نفتی بهرگانسر، نفت‌خیزبودن بستر خلیج فارس اثبات گردید. بنابراین طبیعی است که در زمان تدوین این قانون هیچ‌گونه باور قطعی نسبت به وجود نفت در آب‌های آزاد خلیج فارس وجود نداشته و به تبع آن در آن قانون هیچ‌گونه اشاره‌ای به اجرای مواد آن در مناطق مختلف دریایی نشده است (اله‌وردیزاده، ۱۳۹۴: ۴۲).

در حوزه قلمرو قانون مجازات اسلامی نیز تأسیسات نفتی واقع در آب‌های فلات قاره را به‌عنوان نماد اقتدار اقتصادی یک کشور در جغرافیای سیاسی دریاها، می‌توان از جمله منافع واقعی و مظاهر اقتدار دولت ساحلی قلمداد نمود که در پرتو اصل صلاحیت واقعی قوانین کیفری قابل حمایت باشند. مطابق با ماده ۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲: «هر شخص ایرانی یا غیرایرانی که در خارج از قلمرو حاکمیت ایران مرتکب یکی از جرایم زیر یا جرایم مقرر در قوانین خاص گردد، طبق قوانین جمهوری اسلامی ایران محاکمه و مجازات می‌شود و هرگاه رسیدگی به این جرایم در خارج از ایران به صدور حکم محکومیت و اجرای آن منتهی شود، دادگاه ایران در تعیین مجازات‌های تعزیری میزان محکومیت اجراشده را محاسبه می‌کنند...». اما این اصل صلاحیتی نیز همانند سایر اصول اعمال صلاحیت برون‌مرزی قوانین کیفری، دارای شرایط اجرایی منحصربه‌فردی است، از جمله این که مطابق با ماهیت استثنایی این اصل، کلیه جرایم ارتكابی علیه یک کشور در خارج از قلمرو آن، موضوع صلاحیت واقعی نخواهد بود و صرفاً منافع اساسی کشور را می‌توان در پرتو این اصل حمایت نمود. شرط دیگر اجرای این اصل صلاحیتی آن است که دولت ذی‌نفع که جرم علیه منافع او ارتكاب یافته، باید به

مجازات اسلامی تا زمانی که برای عملی در قانون مجازات تعیین نشده باشد، نمی‌توان آن را جرم دانست.

از آنجا که در پروتکل الحاقی به کنوانسیون ۱۹۸۸ رم نیز مجازاتی برای این قبیل اقدامات پیش‌بینی نشده و از دولت‌های عضو خواسته شده نسبت به تعیین مجازات متناسب با این اقدامات در قوانین داخلی خود اقدام نمایند، به دلیل عدم اجرای این تکلیف از سوی کشورمان همچنان با خلأ جرم‌انگاری این اقدامات روبه‌رو هستیم. بنابراین همچنان ناکارآمدی نظام حقوقی داخلی در مواجهه با این جرایم حتی به‌عنوان جرایم تروریستی نمایان خواهد بود، چراکه در حقوق داخلی ما اساساً تعریف ماهوی از جرم تروریسم وجود ندارد (حبیب‌زاده، ۱۳۸۶: ۵۱) و در حال حاضر عمده واکنش‌ها به جرایم تروریستی به استناد مواد ۲۷۹ و ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی تحت عنوان محاربه و افساد فی الارض صورت می‌پذیرد، اما در توسل به موارد فوق جهت مقابله با جرایم علیه امنیت تأسیسات نفتی واقع در فلات قاره، به دلیل محدودیت‌های قانونی از قبیل سرزمینی‌بودن قوانین جزایی و عدم انطباق مصادیق متعددی از جرایم علیه سکوه‌های نفتی واقع در فلات قاره با ماهیت جرایم تروریستی، امکان حمایت قانونی جامع از این تأسیسات وجود ندارد.

نتیجه‌گیری

پروتکل ۱۹۸۸ و اصلاحیه سال ۲۰۰۵ آن بیانگر آگاهی جامعه جهانی از اهمیت تأسیسات نفتی واقع در فلات قاره در امنیت اقتصادی و سیاسی کشورهاست و تلقی جرایم ارتكابی علیه آن‌ها به‌عنوان جرایم بین‌المللی دارای اهمیت و زیرمجموعه اقدامات تروریستی، التزام دولت‌ها بر اتخاذ تدابیر کیفری متناسب با اهمیت این جرایم را ایجاب می‌نماید. مقابله با این قبیل جرایم در منطقه خلیج فارس به‌واسطه مشترک‌بودن منافع کشورهای همسایه از منابع هیدروکربوری موجود در آن، اقتضا دارد کشورها نه‌تنها براساس قوانین داخلی خود، بلکه با استفاده از معاهدات منطقه‌ای با تشریک مساعی نسبت به تأمین امنیت مطلوب این تأسیسات اقدام نمایند که تا کنون کشور ما در این خصوص اقدامی ننموده است. از طرف دیگر عدم جرم‌انگاری جرایم موضوع این پروتکل در

تأسیسات نفتی واقع در فلات قاره، قانون مقابله با تأمین مالی تروریسم مصوب ۱۳۹۴/۱۱/۱۳ می‌باشد که در جزء ۷ بند «ب» ماده ۱ آن «تصرف یا کنترل غیرقانونی سکوها یا تأسیسات مستقر در مناطق دریایی، ارتكاب اعمال خشونت‌بار علیه افراد حاضر در آن‌ها و هرگونه اقدام برای تخریب یا صدمه به این سکوها یا تأسیسات به قصد ایجاد خطر برای ایمنی این مناطق» به‌عنوان یکی از مصادیق جرایمی محسوب شده که کمک به تأمین مالی مرتکبین آن‌ها موضوع این قانون قرار گرفته است. همان‌گونه که از عنوان این قانون مشخص است، موضوع آن مقابله با تأمین مالی تروریسم و نه خود تروریسم می‌باشد و به همین دلیل در آن تروریسم تعریف نگردیده و صرفاً کمک مالی در راستای ارتكاب اعمال موضوع این قانون از قبیل اقدامات ارتكابی علیه سکوها و تأسیسات نفتی واقع در مناطق دریایی جرم شناخته شده است.

مستند قانونی مهم دیگری که در این زمینه وجود دارد، قانون موافقت‌نامه همکاری بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت ترکیه در زمینه مبارزه علیه قاچاق مواد مخدر، جرایم سازمان‌یافته و تروریسم مصوب ۱۳۹۰/۰۱/۳۱ مجلس شورای اسلامی است که در ماده ۳ آن فعالیت‌های تروریستی به‌عنوان کلیه اقداماتی که جهت اعمال زور و تحت فشار قرار دادن دولت یا سازمان‌های دولتی با استفاده یا تهدید به استفاده از خشونت به‌منظور ارباب جامعه یا کسب امتیاز سیاسی یا اقتصادی صورت می‌گیرد، تعریف شده و می‌توان آن را به‌عنوان یکی از معدود قوانینی که ماهیت جرایم تروریستی را تعریف می‌کند، قلمداد نمود (مدنی، ۱۳۹۴: ۴۲). در بند ۷ این ماده نیز وارد آوردن خسارت به سکوه‌های ثابت موجود در فلات قاره که منجر به تهدید حیات انسان و یا ضررهای مادی غیرقابل جبران شود، به‌عنوان یکی از مصادیق اعمال تروریستی بیان شده است، لکن شرط تروریستی‌شناختن این اقدامات به‌موجب ماده ۱۳ این قانون جرم‌انگاری این اقدامات در قوانین ملی یا اسناد معاهدات بین‌المللی منعقدۀ توسط این دو کشور می‌باشد، حال آنکه قبلاً بیان گردید در قوانین داخلی ما تروریسم به‌عنوان جرم مستقل به رسمیت شناخته نشده و مطابق ماده ۲ قانون

ملاحظات اخلاقی: موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانت‌داری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردید.

تعارض منافع: تدوین این مقاله، فاقد هرگونه تعارض منافی بوده است.

سهم نویسندگان: نگارش مقاله به‌صورت مشترک توسط نویسندگان انجام گرفته است.

تشکر و قدردانی: از تمام کسانی که ما را در تهیه این مقاله یاری رسانده‌اند، سپاسگزاریم.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی سامان یافته است.

منابع و مأخذ

الف. منابع فارسی

- ادیبان، فرزاد؛ عسگرزاده، عباس و عبدالمحمد، افروغ (۱۴۰۱). «تروریسم دریایی؛ تهدید صلح و امنیت بین‌المللی، نقض حقوق بشر و آزادی‌های اساسی». *فصلنامه امنیت/انتظامی دریایی*، ۱۳(۴۹): ۱۵-۳۵.

- اردبیلی، محمدعلی (۱۳۸۹). «ماده ۸ قانون مجازات اسلامی و اصل صلاحیت جهانی». *مجله تحقیقات حقوقی*، ۱۳(۵۱): ۶۸-۱۰۵.

- اسدی جونوشی، محمد و وروائی، اکبر (۱۳۹۷). «سیاست جنایی تقنینی ایران درخصوص تروریسم علیه انرژی». *نشریه مطالعات حقوق انرژی*، ۲(۸): ۳۲۱-۳۴۷.

- الهوردی‌زاده، رضا و حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۹۴). «بررسی تطبیقی قلمروهای دریایی ایران در خلیج فارس و دریای عمان با کنوانسیون حقوق بین‌الملل دریاهای». *تحقیقات جغرافیایی*، ۴(۱۱۹): ۳۰-۵۳.

- توحیدی نافع، جلال و امیرلی، حسین (۱۳۹۷). «بایسته‌های کیفرگزینی در رویارویی با جرایم سایبری با تأکید بر رویه قضایی». *مجله حقوقی دادگستری*، ۸۲(۱۰۱): ۳۷-۶۰.

قوانین داخلی، باعث شده به‌رغم وجود ظرفیت به رسمیت شناخته‌شده در حقوق بین‌الملل امکان حمایت کیفری از سکوهای ثابت واقع در منطقه فلات قاره براساس پروتکل ۱۹۸۸ و سکوهای غیرثابت براساس کنوانسیون ۱۹۸۸ رم فراهم نباشد، چراکه به‌رغم احتساب سکوهای غیرثابت به‌عنوان یکی از مصادیق کشتی به شرح مندرج در کنوانسیون ۱۹۸۸، رفتارهای قابل مجازات موضوع این کنوانسیون نیز در حقوق داخلی جرم‌انگاری نشده است.

علاوه بر این عدم الحاق به پروتکل الحاقی مصوب سال ۲۰۰۵ به‌رغم اهمیت جرایم پیش‌بینی‌شده در آن و تهدیدات متوجه سکوهای نفتی دریایی کشورمان از دیگر ایرادات غیرقابل توجیه نظام کیفری ماست. جامعه جهانی هم‌سو با شدت یافتن تهدیدات علیه این سکوها و گسترش جرایم تروریستی خصوصاً بعد از واقعه یازدهم سپتامبر، ضرورت بازنگری در شیوه‌های برخورد با جرایم این حوزه را احساس نمود و نسبت به اعمال اصلاحات لازم به‌منظور توانمندسازی کشورهای عضو در برخورد قاطع با جرایم مرتبط با این تأسیسات اقدام نموده است، اما باوجود آگاهی از رویکرد نوین تبه‌کاران در استفاده از فناوری‌های روز در ارتکاب جرم و شایع شدن ابزارهای شیمیایی و هسته‌ای موضوع پروتکل اصلاحی در ارتکاب جرم، مجهز نمودن نظام کیفری به ابزارهای واکنشی متناسب با این اقدامات خصوصاً با توجه به اهمیت صنعت نفت در امنیت اقتصادی و سیاسی کشورمان پذیرفتنی نیست. بنابراین امروزه همگرایی با جامعه بین‌المللی در حمایت قاطع از تأسیسات نفتی واقع در منطقه فلات قاره و مبارزه با جرایم تروریستی علیه آن‌ها نیازمند الحاق به پروتکل اصلاحی ۲۰۰۵ و جرم‌انگاری جرایم مندرج در کنوانسیون ۱۹۸۸ رم و پروتکل‌های ضمیمه آن در حقوق داخلی است و ضرورت دارد به‌منظور پیشگیری و برخورد قاطع با جرایم احتمالی موضوع این اسناد بین‌المللی همکاری‌های مؤثر بین‌المللی میان کشورهای حوزه خلیج فارس براساس معاهدات بین‌المللی منطقه‌ای صورت پذیرد.

ب. منابع انگلیسی

- Ashraf, H (2012). *Preventing terrorist attacks on offshore platforms- Do states have sufficient legal tools? presidents and fellows of Harvard college*, 1st ed., Harvard: Misplaced publications.
- Azubuike, I (2009). "International law regime against piracy". *Annual survey of international and comparative law*, 45(15):56-95.
- Jenkins, B (1989). *Potential threats to offshore platforms (world air and seaport defence and security handbook)*. Misplaced publications.
- Kashubsky, M (2013). "Protecting offshore oil and Gas Installations: Security Threats and countervailing measure". Available At :<https://www.Ensec.Org/index.Php? Option=content & view= article & id>.
- Martin, M (2015). *Critical infrastructures-offshore installations protection*. Maritime institute of Malaysia (Center of Security and Diplomacy).
- Wee, J (2016). "Maritime Terrorism Threat In Southeast Asia And Its Challenges Pointer". *Journal of the singapore armed forces*, 1(2):33-56.
- جوان جعفری، عبدالرضا و سیدزاده ثانی، مهدی (۱۳۹۱). *رهنمودهای عملی پیشگیری از جرم*. چاپ اول، تهران: نشر میزان.
- حبیبزاده، محمدجعفر و حکیمی‌ها، سعید (۱۳۸۶). «ضرورت جرم‌انگاری تروریسم در حقوق کیفری ایران». *مجله حقوق تطبیقی*، ۱۱(۲): ۴۷-۷۱.
- حکیمزاده خوبی، بیمان و عبدالمهی، محسن (۱۳۹۶). «اقدامات بین‌المللی در پیشگیری و مقابله کیفری با تروریسم دریایی». *نشریه پژوهش‌های حقوق جزا و جرم شناسی*، ۵(۱۰): ۱۵۱-۱۸۹.
- سلیمی، صادق (۱۳۹۰). *جنایت سازمان یافته فراملی*. چاپ دوم، تهران: انتشارات جنگل.
- صیرفی، ساسان (۱۳۹۴). «تعیین حد خارجی فلات قاره، بررسی ماده ۷۶ کنوانسیون حقوق دریاها». *مجله مطالعات حقوق عمومی*، ۴۵(۱): ۱۲۳-۱۴۸.
- طلایی، فرهاد و جاویدبخت، مارال (۱۴۰۱). «کارکرد کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها و کنوانسیون ۱۹۸۸ رم در مقابله با تروریسم دریایی». *مجله حقوقی بین‌المللی*، ۲۵(۶۷): ۱۷۱-۲۰۰.
- قوام، عبدالعلی (۱۳۹۴). *اصول سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل*. چاپ اول، تهران: انتشارات سمت.
- مدنی، سیدضیاءالدین (۱۳۹۴). «قانون مناطق دریایی ایران در خلیج فارس و دریای عمان و حقوق بین‌الملل دریا، ارزیابی سازگاری‌ها و نارسایی‌ها در آیین تحوالات امروزی حقوق بین‌الملل دریا». *مجله اقیانوس شناسی*، ۶(۲۴): ۳۹-۵۱.
- وحیدی، احمد؛ قادریناه، فریبرز؛ سلیمان‌پور، هادی و حکیمی، خرداد (۱۴۰۱). «ارائه الگوی همگرایی امنیت دریایی شمال اقیانوس هند با تأکید بر حوزه‌های نظامی و اقتصادی». *نشریه مطالعات دفاعی استراتژیک*، ۳۵(۸۸): ۱۹۱-۲۱۴.